

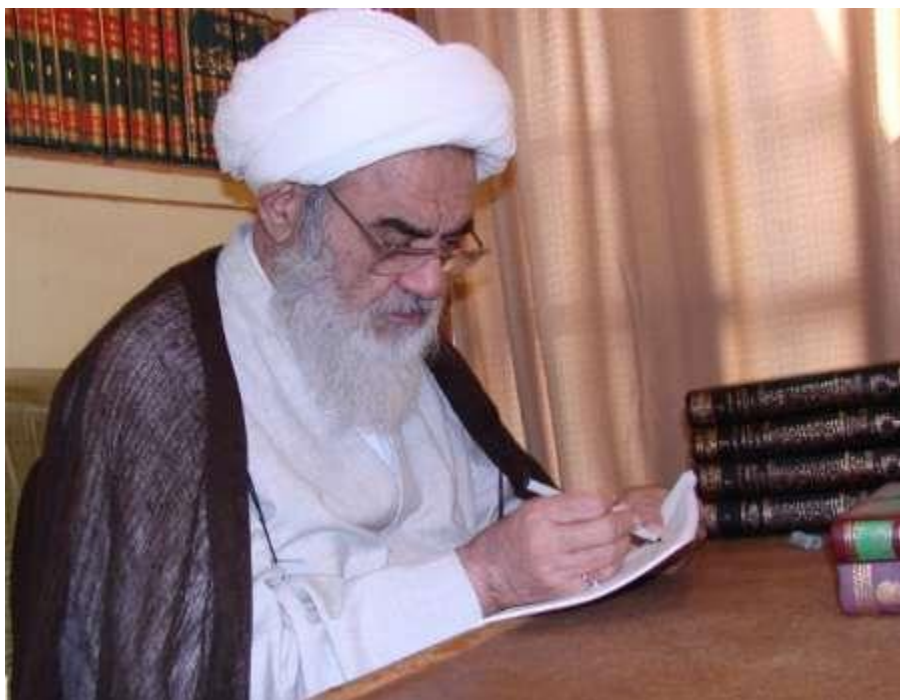
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس اخلاق

موضوع: اخلاق از نظر قرآن و روایات حضرت آیت الله مظاهری دامت برکاته

جلسه بیست و یکم

عنوان درس: نگاهی به وصیت نامه امیرالمؤمنین علی «سلام الله علیه»



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ أَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

یک وصیتنامه‌ای از امیرالمؤمنین علی «سلام الله علیه» هست که مثل امروز یا امشب این وصیت را نموده است. طرف مخاطب نیز همه مردم هستند. به قول

خودشان هرکه این وصیت را بشنود و ببیند.

روی سخن با امام حسن و امام حسین است، اما به اطرافیان یعنی به اولادها و به منسوب‌ها نیز نگاه می‌کند که روی سخن با افرادی است که در جلسه حاضر بودند اما در اول وصیت می‌فرماید که «مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي» [۱]؛ هرکه این وصیت مرا ببیند، من به او این وصیت را می‌کنم. وصیت از نظر روانی باید پرمحتواتر از همه حرف‌ها باشد. برای اینکه شخصیتی مثل امیرالمؤمنین اول شخصیت انسانیت، وصیت می‌کند، در حساس‌ترین مواقع یعنی دم مرگ. طرف خطاب را نیز همه انسان‌ها قرار داده است، بنابراین باید چیزی مهم‌تر از این نباشد.

این وصیت‌نامه ده فراز دارد که انسانیت، اسلام و مخصوصاً شیعه باید به این ده فراز عمل کنند. سعادت دنیا بخواهد، دارد؛ سعادت آخرت بخواهد، دارد؛ اگر سیر و سلوکی باشد و بخواهد سیر و سلوک کند، امیرالمؤمنین راهی برایش باز کرده است. اگر بخواهد توفیق خودسازی پیدا کند و صفت رذیله را بکند و فضیلت به جای آن غرس کند، راهش همین است؛ و بالاخره هرکه هرکاره باشد، این یک سرمشق در زندگی اوست.

این ده فراز به ترتیب معلوم می‌شود که مولا امیرالمؤمنین ترتیب را هم مراعات کرده است. یعنی اَهِمَّ فَالْأَهِمَّ تا آخر.

اول چیزی که سفارش می‌کند، تقوا و اجتناب از گناه است.

أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي يَتَّقُوا اللَّهَ وَ تَظْمِرْ أَمْرَكُمْ

شما را به خدا، شما را به خدا، به این وصیت من عمل کنید. اگر در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی گناه نباشد، مسلم این اجتماع سعادت دنیا و آخرت دارد؛ چنانچه اگر گناه در فردی یا خانواده یا اجتماعی باشد، این جامعه و این خانواده و این فرد، سعادت دنیا و آخرت ندارد. در قرآن بیش از صدها جا مفهوم این وصیت امیرالمؤمنین هست. یعنی وصیت خدا به همه است.

در نهج البلاغه بیش از صدها جا، مفهوم این وصیت امیرالمؤمنین در دم مرگ، هست. در روایات اهل بیت، بیش از چندین هزار جا، این وصیت هست. بالاترین چیزها برای سعادت دنیا و آخرت، اجتناب از گناه است. انسان حالتی پیدا کرده باشد که دروغ نگوید و غیبت نکند، تهمت و شایعه پراکنی نداشته باشد. نمام و سخن‌چین نباشد، موسیقی‌ها در خانه‌اش نباشد. نه تنها ماهواره نباشد، بلکه هر فیلم شهوت‌انگیز و هر گفتار نامناسبی در خانه‌اش نباشد. این برایش یک حالت باشد، به این تقوا می‌گویند. روح خدا ترسی در عمق جان‌ش حکمفرما باشد. اما اگر این روح خدا ترسی نباشد، مثلاً دروغ بگوید و آدم دروغ‌گویی باشد. در خانه، زن به شوهر و شوهر به زن و بچه‌ها به پدر و مادر دروغ بگویند. در خانه غیبت و زخم زبان و توهین و مرء و جدال باشد. در خانه نمامی و سخن‌چینی و شایعه‌پراکنی باشد. در خانه فیلم‌های ناباب باشد، در خانه فیلم‌های شهوت‌انگیز و حرف‌های شهوت‌انگیز و غناها و موسیقی‌ها باشد؛ این خانه تباه است. نه تنها خودش تباه است، بلکه خانه‌اش هم تباه است. همه جا تاریک و تباه و سیاه است و روز خوش ندارد.

قرآن در این باره آیات فراوانی دارد که گناه زندگی را تباه می‌کند، گناه یک زندگی ناخوش و دردناکی به انسان در خانه و در اجتماع می‌دهد و اگر بخواهیم خودمان و خانه و اجتماعمان تباه نباشد و گردوی پوچ نباشد، باید در زندگی گناه نباشد. این گناهانی که گفتم بزرگ است و برای تباه کردن و نابود کردن زندگی خیلی مهم است.

قرآن گاهی راجع به این مطلب تشبیه معقول به محسوس می‌کند، یعنی برای اینکه مطلب را جا بیندازد، چیز محسوسی می‌گوید. مثلاً کسی که خانه می‌سازد، اگر پایه‌های خانه محکم باشد و مواظب ساختمان باشد، این خانه ماندگار است؛ ولو اینکه تزیین هم نداشته باشد اما این خانه ماندگار است. اما اگر کسی لب دره سیل زده خانه بنا کند، خانه هم خیلی شیک باشد و از نظر نقشه خیلی بالا باشد، اما یک طوفان این خانه را ته دره می‌برد. یک باد و بارانی این خانه را از بُن خراب می‌کند. قرآن می‌فرماید تقوا و بی‌تقوایی چنین است. اگر زندگی روی تقوا باشد، این زندگی محکم و مستحکم است و حافظ آن، خدا و امام زمان است؛ و اما اگر زندگی توأم با گناه شد و زندگی توأم شد با حرام خوردن و ربا خوردن و ربا دادن و زندگی توأم شد با ماهواره‌ها و موسیقی‌ها و اینترنت‌ها و زندگی توأم شد با غیبت و تهمت و شایعه و مرء و جدال و اختلاف و پرخشگری به یکدیگر و مخصوصاً زن و شوهر، قرآن می‌فرماید این مانند خانه لب دره سیل زده است. به یک فوتی ناگهان بین زن و شوهر طلاق ایجاد می‌شود و بچه‌ها نابود می‌شوند. ناگهان به یک چشم برهم زدنی و یک ورشکستگی، آبرویش از بین می‌رود و یک دفعه به واسطه یک تلفن، بین زن و شوهر چه کدورت‌ها ایجاد می‌شود و منجر به نابودی خانه و خانواده می‌شود.

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ
قَاتِلُهُ فِيهِ نَارُ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ [٢]

دست عنایت خدا روی سر گناهکار نیست. خدا خانه‌ای که در آن خانه گناه باشد، حفظ نمی‌کند. این خانه مانند لب درهٔ سیل زده ناگهان از هم می‌پاشد. الان هشتاد درصد خانه‌های ما شیک است اما از هم پاشیده است. یعنی یک زندگی ناخوش و با چه کنم چه کنم و یک زندگی با اختلاف و یک زندگی که چشم دیدن همدیگر را ندارند، اما مجبورند زندگی کنند و مرگ تدریجی است. معلوم است خانه‌ای که شبانه روز در آن فیلم‌های شهوت‌انگیز باشد و خانه‌ای که در آن تلفن‌های به نامحرم باشد و معاشقه‌ها و دوستیابی‌ها در این خانه باشد و موبایل‌های ناهنجار در این خانه کار کند، این خانه نابود است.

قرآن می‌فرماید نابودی آن اینطور نیست که مثل آن خانه یک باد بیاید و به ته درهٔ سیل زده بود، بلکه خانه هست و شیک هم هست، اما اختلاف بین زن و شوهر کولاک می‌کند و رسیده به آنجا که یک زندگی ناخوش در خانه است.

جوان‌ها!

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى [٣]

کسانی که خدا را نداشته باشند و زیر پرچم خدا نباشند بلکه زیر پرچم شیطان باشند و در گفتار و کردار و رفتارشان، شیطان روی آنها کار می‌کند، یک زندگی ناخوشی دارند. مثلاً از نظر امکانات مالی عالیست و از نظر پست و مقام عالیست، اما زندگی برایش مرگ تدریجی است.

خدا نکند زنی، شوهرش را دوست نداشته باشد و شوهری، زنش را دوست نداشته باشد و یا در اثر اختلاف، بچه‌هایشان را دوست نداشته باشند و یا بچه‌ها پدرشان را نخواهند، زندگی تلخی است. قرآن می‌فرماید این زندگی تلخ در اثر گناه است. از زیر پرچم شیطان، برو زیر پرچم خدا و بین همهٔ کارها درست می‌شود یا نه. خانه‌ای که دست عنایت خدا روی این خانه باشد، آباد است. یا مثال دیگر اینکه از نظر مالی در مضیقه است اما به اندازه‌ای خوش است که گناهکاران در عمرشان چنین خوشی در خانه ندارند. من زیاد دیدم که خانواده در مضیقه هستند و نمی‌توانند مثلاً گوشت تهیه کنند و نمی‌توانند میوه تهیه کنند، اما زندگی به اندازه‌ای خوش است که نوبت غم به گوشت و میوه نمی‌رسد و زندگی به اندازه‌ای لذتبخش است که یک روزش را گناهکاران ندیده‌اند. برعکس این را هم زیاد سراغ دارم که از هر نظر زندگی خوب است، اما العیاذبالله زن ناباب است و رفیق ناباب دارد و حاضر است که تمام زندگی خود و حتی بچه‌هایش را فدا کند و به رفیقش برسد. این آتش است و آتش جهنم یعنی همین. اینجا این آتش است و آنجا هم آتش جهنم است.

من سراغ دارم که آقای از نظر امکانات خیلی بالاست و توجه حسابی به زن و بچه و خانه دارد، اما دلش رفته برای یک زن عادی. به خاطر یک نگاه یا یک خنده و تبسم. و زندگی به اندازه‌ای برایش سخت شده که اگر می‌شد خودکشی کند، این کار را می‌کرد.

من سراغ دارم که در خانه اختلاف است و پدر با زن و زن با پدر و هر دو با بچه‌ها و بچه‌ها با آنها نمی‌سازند و موقع افطار همه چیز هست اما همان لقمهٔ اول برایشان زهرمار است. قرآن می‌فرماید به خاطر گناه. امیرالمؤمنین «سلام‌الله‌علیه» در این وصیت نامه که ده فراز دارد، در فراز اول می‌فرماید:

أَوْصِيَكُمْ وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي يَتَّقُوا اللَّهَ»

اگر سعادت دنیا می‌خواهید، با تقوا و اگر سعادت آخرت می‌خواهید با تقوا، کاری کنید که روح خداترسی در خانه شما حکمفرما باشد و در وقتی که حکمفرما باشد، زن شما عقیف است و دنیا را به او بدهند که یک نگاه به او بکنند، حاضر نیست. مرد شما هم عقیف است و اگر دنیا را به او بدهند که یک نگاه آلوده بکند، حاضر نیست. می‌رسد به آنجا که خدا هم او را حفظ می‌کند. خدا وعده داده است. دو آیه در قرآن داریم که کوتاه است، اما خیلی مهم است. می‌فرماید:

وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ [۴]

مؤمن و متقی به ما حق دارد. خدا می‌گوید خدا به ما حق دارد. دوباره می‌فرماید یقیناً و بلاشبه چنین است. حق این را دارد که کمکش کنیم و نگذاریم زندگی او تلخ باشد و نگذاریم زندگی او از هم بپاشد. نگذاریم بلاهای ناباب در زندگی و خانه‌اش بیاید.

همین مفهوم آیه با تأکید دیگری در قرآن آمده است:

«ثُمَّ تُنَجِّي رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ [۵]»

حتماً مؤمن و متقی به ما حق دارد. حق اینکه در بن بست‌ها گره از کارش باز کنیم. اگر خواست بلغزد، او را بگیریم. الان دنیای ما دنیای لغزش است، الان جوان‌های ما در معرض لغزش هستند. شبهات یکی پس از دیگری هست. قرآن می‌فرماید آقا و خانم! می‌خواهی بچه‌هایت نلغزند و چشم روشنی برای دنیا و آخرت باشند، پس با تقوا باش. هیچ راهی جز این فرمایش امیرالمؤمنین برای سعادت نیست. هرکه راهی پیدا کند، غلط است. یعنی نمی‌شود راهی برای سعادت دنیا و آخرت به غیر از راه امیرالمؤمنین پیدا کرد.

اگر در روز به وسط دریا نگاه کنید، تاریک است. دریا وحشتناک است، حتی برای کسانی که شنا بلد هستند، اگر به وسط دریا بروند، دریا وحشتناک است. حال اگر این دریا موج باشد، تاریکی و وحشت آن دو برابر است. این دریا اگر جزر و مدی باشد، وحشت روی وحشت و تاریکی روی تاریکی است. قرآن تشبیه معقول به محسوس می‌کند و می‌گوید زندگی منهای خدا، تاریک و وحشتناک است.

«أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ [۶]»

زندگی منهای خدا به اندازه‌ای وحشتناک است که یک خود گمشدگی در زندگی پیدا می‌شود. در جلسه ما از اینگونه حرف‌ها نیست، اما من دیدم که نه تنها افسرده است اما همه چیز در نظرش سیاه است. به قول قرآن در وقتی که می‌خواهد در دریا غرق شود، اگر دستش را بیرون بیاورد، کسی نیست که دستش را بیاورد.

بعد قرآن می‌فرماید آیا می‌خواهی زندگی نورانی باشد، فقط با خدا باش؛ زیرا: «وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ.»

اگر نور خدا باشد و اگر تقوا باشد، انسان شاد است:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ [۷]

و اما اگر خدا نباشد، یک دنیا غم و غصه دارد. الان ببینید که وقتی همه دلشان را بشکافند، می‌بینند که همه آن غم و غصه است و یک زندگی توأم با غم و غصه و دلهره و اضطراب‌خاطر و نگرانی دارند. در خانه‌ها هشتاد درصد اینطور است. یک زندگی توأم با غم و غصه و نگرانی و اضطراب‌خاطر و نگرانی است. زن به شوهر سوء ظن دارد و شوهر به زن سوء ظن دارد و بچه‌ها به پدر سوء ظن دارند و همه دشمن همدیگر هستند. الان اجتماع ما با این فساد اخلاقی یک دنیا غم و غصه و اضطراب‌خاطر و نگرانی است. این زندگی نیست، بلکه مردگی است و این مرگ تدریجی است. قرآن می‌گوید وقتی گناه در اجتماع آمد، گناه زندگی را تباه و تاریک و نابود می‌کند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

[۱]. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲. التوبه، ۱۰۹: «آیا کسی که بنیاد [کار] خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پی‌ریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟ و خدا گروه بیدادگران را هدایت نمی‌کند».

[۳] طه، ۱۲۴: «و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگیِ تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می‌کنیم».

[۴] الروم، ۴۷: «و یاری‌کردن مؤمنان بر ما فرض است».

[۵] یونس، ۱۰۳: «سپس فرستادگان خود و کسانی را که گرویدند می‌رهانیم، زیرا بر ما فریضه است که مؤمنان را نجات دهیم».

[۶]. النور، ۴۰: «یا [کارهایشان] مانند تاریکی‌هایی است که در دریایی ژرف است که موجی آن را می‌پوشاند [و] روی آن موجی [دیگر] است [و] بالای آن ابری است. تاریکی‌هایی است که بعضی بر روی بعضی قرار گرفته است. هر گاه [غرقه] دستش را بیرون آورد، به زحمت آن را می‌بیند، و خدا به هر کس نوری نداده باشد او را هیچ نوری نخواهد بود».

[۷] الرعد، ۲۸: «همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.»

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir>